

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سوما کاویانی

۱۵ جنوری ۲۰۱۳



کودک سرما زده من

گلویم را غم می گیرد
دلم را درد می فشارد
چشمانم خونابه می چکاند
چو می بینم چنین کودکی
در پرتو ظلمت نور ستیز
با گونه های خاک ریز
با پا های ترکیده
با دستانی که پیر تر از هر دستی آزموده رنج
با لبانی خشکیده ، بسته هر فریادی در خویش
می لرزد در هجوم سرد و سوزنده
در زمستانی که بیرحم بی مروت
که تنها رخ زیبایش را جهان سرمایه می ببند
و پاغنده های برفش برای آنکه گرسنه و تشنه است
هیچ زیبایی ندارد.
دلم می سوزد
آه دلم می گیرد

دلم گریه می کند
آه ، ای طفل سرما خورده من
ای کودک گرسنه و پا برهنه من
من بمیرم اگر به تو نیندیشم
که تو فردای منی و اکنونت چنین
سرد و خاموش است.
من بمیرم که تو چنین با نگاهی گله آمیزت
با نگاهی پر از شکوه ات
با نگاهی که هزاران پرندۀ خاموش فریاد در آن پر می زند
به من می نگری -
آه عزیز من ، طفلک پابرهنه ام
تو زمن چی می خواهی
چی توقع از من داری که این چنین می دوزی نگاهت بر چشمانم
کاش دستم می رسید به گلوی ظلمت
کاش می توانستم بفشارم شاه رگ دشمنت را
کاش بتوانم به زیر اندازم این جهان سرمایه را
که می نشاند یکی را با صد ناز و نعمت
و می افگند یکی را در گور سرد غربت
کاش می توانستم به زیر کشم آن گرگان خون آشام را
که در سیاهی ظلمت به تن و بدن نحیف تو دیده دوخته اند
چون تو یک ذخیره ای برای اینان
چون تو پایه های کاخ زرین آنها را با هر قطره خونت
جلا می بخشی
و این داراکولا های خونخوار
تشنگان خون میلیاردها کارگر
ترا و امثال ترا به خاک می کشانند تا زر بدروند
آه عزیز من ، کودک رنجور و درد رسیده
من می شوم آواز تو
من می شوم فریاد تو
درد تو درد منست
اشک تو اشک منست
باش که فردای رستاخیز برسد ز راه
و آنگاه من با تو با فریاد خشم و انزجار
با فریادی که بلرزاند پایه های امپریالیسم را
با مشت گره هزاران کارگر

با مشت گره هزاران بزرگر
به خاک خون خواهیم کشید این اربابان زور و زر را
و باهم یکجا خواهیم کرد پیکار
تا ببخشیم خنده بر لبانت
و گرمی به استخوانت
باش که فردا می رسد ز راه
باش که فردا می رسد ز راه
سوما کویانی
۲۰۱۳/۱/۷